

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

گروه پروسه
پژمان رحیمی
۰۹ می ۲۰۱۹

نکاتی درباره «طراحی سوخته»



مستندی که با عنوان «طراحی سوخته» از تلویزیون جمهوری اسلامی پخش شد شاید بدسلیقه‌ترین فلمی بود که تا کنون این رژیم علیه فعالان اجتماعی و سیاسی تهیه کرده است. علاوه بر حجم زیادی از دروغ و وارونه‌نمایی، حتا اموری که حق طبیعی هر انسانی است هم در این فلم به صورتی امنیتی نشان داده شده است. تا کنون از این گونه فلم‌ها بسیار تهیه شده و خواهد شد و آخرین مورد هم مربوط به اعتراف‌گیری از یک آدم ساده و بیمار بود که به عنوان پدرخوانده داعش در اهواز از او یاد کردند!

در واکنش به این توطئه از سوی این رژیم انسان‌ستیز باید به طور هماهنگ علیه اعمال فشار وحشیانه به دستگیرشدگان برای به اعتراف دروغ کشاندن آنان -که هدفی جز مرعوب کردن اقشار مختلف مردم از پیگیری مطالباتشان ندارد- به پا خاست. به اعتراف کشاندن فعالان کارگری و مطبوعاتی در واقع تحقیر جامعه و به ترس و انفعال کشاندن معترضان را هدف خود قرار داده است. باید با شجاعت افشاگری کرد و اقشار مختلف مردم و آنانی

که شاید تحت تأثیر تبلیغات رسانه‌ای قرار بگیرند را خطاب قرار داد و این حمله را پاسخ داد. باید گفت این فلم و موارد مشابه آن بر اساس اعترافات دروغ و تحت شکنجه‌هایی که رژیم اسلامی در آن سابقه‌ای درخشان دارد ساخته شده است. باید گفت که دید و بازدید کارگران با یک دیگر و پرس‌وجوی آدم‌ها از یک دیگر و کسب اطلاع و دانش و تجربه، جرم نیست و امنیت جایی را به خطر نمی‌اندازد جز این که سلطه‌گران از کسب آگاهی و گسترش آن همواره در هراس هستند. باید با صدای بلند از جنایت‌های این رژیم در طول دوران حیات ننگینش گفت و نشان داد که این حکومت جز با سرکوب و شکنجه و داغ و درفش و زندان و اعدام با پرچا نمی‌تواند بماند.

اما سازندگان این فلم بیشتر بر ابهام یا بی‌اطلاعی مخاطب از برخی جریان‌های سیاسی حساب باز کرده‌اند تا با خلاصه کردن همه چیز حول دخالت و مرکزیت یک جریان سیاسی خاص، به اهداف مختلف خود دست پیدا کنند. لازم بود ابتداء توضیحاتی درباره اشاره‌ای که به من و سوابقم در این فلم شده داشته باشم و در ادامه نکاتی هم درباره این فلم اضافه خواهم کرد.

حتا از قیافه افرادی که در فلم نمایش داده شد می‌توان فهمید که چه بلایی سرشان آورده‌اند تا جلو دوربین در نقش یک بازیگر، ادعاهایی عجیب و مضحک را بیان کنند. در این فلم سخنانی درباره من هم به یکی از بازداشت‌شدگان دیکته شده که به وضوح اعمال شدید شکنجه را نمایان می‌کند. در این فلم به انجمن غیردولتی که در اهواز داشتیم اشاره می‌شود و طبق دستور و با دیکته بازجویان فعالیت‌هایی به انجمن نسبت داده می‌شود که کاملاً نامربوط هستند. انجمن فرهنگی هنری سایه (۱۳۸۲-۸۸)، در زمینه‌های فرهنگی و هنری و اجتماعی فعالیت علنی داشت و هرگز هم پوششی برای کاری مخفی نبود. در انجمن، گرایش‌های فکری مختلفی حضور داشتند ولی همه در یک مجموعه برای یک کار علنی توافق داشتند. اما نکته اصلی این که این انجمن در سال ۱۳۸۸ با یورش نیروهای امنیتی و دستگیری دو نفر از اعضایش برای همیشه تعطیل شد. در واقع طراحی‌سوخته، فعالیت‌هایی را به نهادی نسبت می‌دهد که ده سال پیش تعطیل شده است! همان‌طور که اعترافات بهروز کریمی‌زاده را از ده سال پیش در این فلم چپانده‌اند، مشخص است برای این که بتوانند یک پایه داخلی برای سناریوی وابسته نشان دادن اعتراضات در خوزستان (به خصوص اهواز) معرفی کنند به ده سال پیش و فعالیت‌های یک انجمن تعطیل شده مراجعه کنند. زمانی که این انجمن فعالیت داشت بسیاری از همین فعالان کارگری معترض کنونی هنوز شاغل نشده بودند. اعتراض کارگران به وضعیت نابسامان اقتصادی، با هیچ سریشمی به خارج از وضعیت واقعی خودشان وصل نمی‌شود.

دروغ دومی که مطرح می‌شود وابستگی من به «حزب کمونیست کارگری ایران» است! به نظر می‌رسد دستگاه جعل و دروغ جمهوری اسلامی روی بی‌اطلاعی مخاطبان از جریان‌های سیاسی اپوزیسیون حساب کرده است و مایل است که خیلی ساده و راحت طرح وابستگی فعالان داخلی به نیروی خارجی را برای مخاطب خود ترسیم کند. یک حزب و یک نشریه دانشجویی داخلی را علم کرده است تا با وصل کردن همه به آنان، سناریوی مضحک وابستگی به آمریکا و اسرائیل را به پیش ببرند!

اول لازم است اشاره کوچکی به «نشریه گام» بکنم. تا جایی که من سراغ دارم در مقایسه میان نشریاتی که خودشان را به چپ منتسب کرده‌اند، ضعیف‌تر از نشریه گام سراغ ندارم. نویسندگان نشریه هم تعدادی جوان هستند که نشریه‌ای با مطالب پراکنده و حتا در فرم و ظاهر کم‌کیفیت را منتشر می‌کردند. چنین نشریه‌ای را «کمونیستی» و «مرکز فرماندهی» اعتراضات معرفی کردن در واقع همان تلاش سازندگان طراحی‌سوخته برای ساده‌کردن و تقلیل

دادن کل تضادها و اعتراضات مختلف به احتمالاً نوما رکسیست‌هایی است که قبلاً گرایشان داده شده بود. اعضای نشریه گام هم هیچ وابستگی به جریان سیاسی خاصی ندارند و با درک و تشخیص خودشان فعالیت‌هایی برای دفاع از حقوق کارگران انجام می‌دادند که همه در نشریه‌شان به صورت علنی بازتاب داده می‌شد و حق مسلم آنان هم بوده و هست که فعالیت‌های خودشان را به هر صورتی که تمایل دارند به پیش ببرند ولی اکنون متأسفانه سه نفر از آنان گرفتار بازجویی و به احتمال زیاد شکنجه‌هایی هستند تا دست‌مایه سناریوپردازی‌های مضحک شوند.

اما در مورد نقش «حزب کمونیست کارگری ایران» در این سناریوپردازی باید کمی پیچیده‌تر برخورد کرد. اینجا باید به روشنی اعلام کرد که همه تشکلات سیاسی باید حق فعالیت آزادانه داشته باشند و در این مورد رژیم جمهوری اسلامی با اعمال استبداد سیاسی حقوق اولیه شهروندان را نقض کرده است. اما وقتی به تفاوت نیروهای مختلف و نسبت و روش برخورد این نیروها در مبارزه برای خواسته‌هایشان توجه می‌کنیم، نمی‌توان نسبت به سبک کار و روش برخی از جریان‌ها و آسیب‌هایی که به دیگر نیروها وارد می‌کند بی‌توجه ماند و هر تشکل سیاسی می‌بایست اگر درجه‌ای از صداقت دارد به این مهم توجه کند به خصوص در شرایطی خاص که سرکوب شدت بیشتری پیدا می‌کند.

اول این که باید بگویم طبق آن چیزی که در فلم مذکور توسط شکنجه‌گران دیکته شده است، بنده هیچ گونه نسبتی با «حزب کمونیست کارگری ایران» ندارم و همواره از مخالفان و منتقدان روش و تفکر این جریان بوده‌ام. بسیاری از دوستان نزدیک از شنیدن این اتهام ساعت‌ها خندیده‌اند! اما این یک مسأله فردی نیست، نه تنها من بلکه تمامی افرادی که در این فلم از آنان اسم برده می‌شود ربطی به جریان‌های سیاسی مشخصی ندارند. اما چرا این فلم می‌خواهد همه را به «حزب کمونیست کارگری ایران» متصل کند؟ این سؤالی است که پاسخ به آن حداقل در این فضایی که رژیم تا بن دندان مسلح همه امکانات تبلیغاتی خودش را هم علیه فعالان کارگری به کار گرفته، ضروری است.

همان‌طور که گفتم سازندگان این مستند روی بی‌اطلاعی مخاطبان از تقسیم‌بندی جریان‌ها حساب کرده‌اند. «حزب کمونیست کارگری ایران» تنها یک جریان از مجموعه نیروهای متنوع چپ‌گرا است که در این فلم قرار است به نمایندگی از طرف همه نیروها به مخاطب عرضه شود که هم الگوی «کمونیسم» معرفی شود و هم بهانه برای گرفتار کردن افراد مختلف. این حزب به دلیل سبک کار لیبرالی-نمایشی خودش همواره برای مانورهای شخصی و حرکات انفرادی اهمیت زیادی قائل است. در نتیجه مجموعه‌ای از فعالانی که گرفتار منم و خودمحورپنداری و روان‌پریشی‌های شخصیتی هستند قابلیت این را دارند که براحتی به این جریان چسبانده شوند. حتی اگر عضو آن هم نباشند. این حزب که به «حزب شخصیت‌ها» هم معروف است، در جذب چنین پتانسیل‌های تکرار و به کارگیری سبک کار لیبرالی-نمایشی پُر سر و صدا در هماهنگی رقابتی با جریان‌های دست‌راستی پیش‌تاز است. برچسب چنین جریانی بهترین موقعیت را برای باورپذیر کردن اتهاماتی فراهم می‌کند که رژیم حاکم برای کنترل و سرکوب فعالان مختلف در زمان مناسب خودش می‌تواند به کار بگیرد. «حزب کمونیست کارگری ایران» در آخرین بیانیه خود حتی حاضر نشده است انتساب این همه آدم در فلم طراحی‌سوخته به خودش را تکذیب کند. «حزب کمونیست کارگری ایران» هم اعتماد به نفس توده‌ای‌ها را به ارث برده است و هم وقاحت و رذالت سران سازمان اکثریت را، و این شترگاوپلنگ چپ نما اکنون با آویزان شدن به لیبرالیزم منحنی سیاسی و تشکیلاتی و شگردهای نمایشی و تبلیغی مضحک، بهترین گزینه برای معرفی «چپ» ها به مردم از سوی تلویزیون جمهوری اسلامی است. رژیم جمهوری اسلامی در حالی که از افشاگری درباره کشتار هزاران کمونیست مبارز در دهه شصت وحشت دارد، ولی ترجیح می‌دهد خیلی راحت هر کسی را به این حزب با تیتیر پر سر و صدای «حزب

کمونیست کارگری ایران» بچسباند چرا که اگر این تبلیغات آلوده عامل جذب افرادی جستجوگر به این جریان هم بشود در واقع خطری جدی متوجه نظام حاکم نمی‌شود.

گرفتن اعتراف اجباری تحت انواع شکنجه در این رژیم سابقه‌ای ۴۰ ساله دارد. باید با تمام قواء در مقابل تبلیغات آلوده این رژیم ایستاد و آن را محکوم کرد. هدف این فلم ترساندن کارگران از پیگیری حقوق‌شان و شکستن غرور و شخصیت کارگران و فعالانی است که در این راه گام برداشته‌اند. با حمایت از کارگران و اعتراض به شکنجه و اعتراف‌های اجباری تلویزیونی باید این رژیم را به عقب نشانند.

بعد از انتشار فلم طراحی سوخته دوباره اسماعیل بخشی و سپیده قلیان به شکلی وحشیانه بازداشت شده‌اند و معلوم نیست چه سرنوشتی در انتظارشان است، علی نجاتی و سه نفر از اعضای نشریه گام در وضعیت نامعلومی به سر می‌برند، ضروری است که یک‌صدا در مقابل خشونت افسارگسیخته این رژیم کارگرسنیز ایستادگی کنیم.

۰۸ می ۲۰۱۹